

برخی تراستی‌ها منتظر حمله آمریکا بودند تا پول‌ها را بالا بکشند

تراستی در لغت به معنای «امین» است؛ فرد یا شرکتی که در شرایط تحریم، نفت را از کشور تحویل می‌گیرد، آن را می‌فروشد و درازای آن، کالای مورد نیاز را وارد می‌کند. اما به گفته حسین صمصامی، نماینده تهران و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، فهرست ۱۰۰۰ شرکتی که بیشترین میزان تعهد ایفاننده ارزی را دارند، به صورت کاملاً مستند استخراج شده و جزئیات آن به وضوح نشان می‌دهد چه سهمی متعلق به بخش دولتی و چه سهمی متعلق به شرکت‌های غیردولتی است.

۵



آشوب‌پشت در دانشگاه

آیین‌نامه جدید استخدامی اعضای هیئت علمی که در یکی دو هفته اخیر منتشر شده، با حذف شرط التزام به ولایت فقیه، نداشتن سابقه حضور در اغتشاشات و صلاحیت‌های اخلاقی، نگرانی شدید فعالان انقلابی و نمایندگان مجلس را برانگیخته است؛ موضوعی که راه را برای نفوذ اساتید ضدانقلاب و آشوب‌طلب به دانشگاه‌ها هموار می‌کند. گفتنی است این اقدام در حالی صورت می‌پذیرد که دو هفته پیش، برخی از نمایندگان مجلس خطاب به وزیر علوم، خواستار برخورد قاطع وزارت علوم با اساتید ضدانقلاب شده بودند و به نظر می‌رسد وزیر علوم، مطالبه نمایندگان را برعکس متوجه شده است.

۲



نگاهی به ماجرای بازگشت جنگنده‌های آمریکایی از پایگاه انگلیسی

خروج B۱ها از فرورد؛ عقب‌نشینی پس از غافلگیری

۷



نوبیناد حبس حمید رسایی را از منظر حقوقی بررسی می‌کند

حبس نماینده و حق مردم

۳



حبس نمایندگان انقطاع یا استمرار نمایندگی

دکتر غلامحسین الهام
وزیر پیشین دادگستری

عنوان نمایندگی، متخذ از رأی مردم است. انتخابی است که یک‌بار برای مدت چهار سال صورت می‌گیرد. این انتخاب، بعد از تصویب اعتبارنامه از سوی مجلس، منجز می‌شود. سلب عنوان نمایندگی در قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس پیش‌بینی نشده است. تنها استعفا، با تصویب مجلس، در آیین‌نامه داخلی ذکر شده است. در قانون مجازات اسلامی، برخی محکومیت‌ها دارای آثار تبعی هستند؛ یعنی موجب محرومیت از حقوق اجتماعی می‌شوند. از جمله حقوق اجتماعی، حق داوطلب شدن در انتخابات مجلس شورای اسلامی است.

متن کامل در صفحه ۳

صفحه ۴

اقتصادی

شوک درمانی یا تکرار خطاهای گذشته

سیاست‌گذاری ارزی ماه‌های اخیر با محوریت همتی، با طرح شعارهایی نظیر «تکنرخی‌سازی» و «مبارزه با رانت»، در عمل به مسابقه‌ای بی‌سابقه برای گران‌سازی نرخ رسمی ارز و نزدیک کردن آن به نرخ‌های لجام‌گسیخته بازار غیررسمی بدل شده است.

صفحه ۲

سیاسی

تنگه هرمز، استالینگراد جنگ ایران و آمریکا است

علی خضریان، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس با تأکید بر اهمیت راهبردی تنگه هرمز، آن را یکی از مهم‌ترین اهرم‌های قدرت ملی ایران دانست. وی با اشاره به نقش این تنگه در تحولات منطقه، اهمیت آن را با نقش استالینگراد در سرنوشت جنگ جهانی دوم مقایسه کرد.

خبر کوتاه

سرلشکر عبداللّهی: آتش جنگ علیه ایران دامن تمام منطقه را خواهد گرفت

روز گذشته، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا ایران طی پیامی اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران منتظر نتایج انتخابات کنگره آمریکا نبوده و نیست، بلکه این مردم آمریکا هستند که مشتاقانه منتظرند که پاسخ دروغ های ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری را در این انتخابات بدهند. سرلشکر عبداللّهی تصریح کرد: چه قبل و چه بعد از انتخابات و با هر نتیجه ای اگر خود و یا به تحریک رژیم کودک کش صهیونی، علیه ایران اسلامی اقدام نماید، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بلافاصله، با شدت و قدرت و به صورت دردآور منافع آمریکا را بدون محدودیت، هدف قرار خواهند داد همان گونه که در جنگ رمضان مشاهده کردید. وی افزود: کشورهای میزبان آمریکا در منطقه نیز بدانند که عامل اصلی ناامنی در منطقه و بروز مشکلات اقتصادی، حضور ارتش تروریست آمریکا در منطقه است و تا این حضور، ادامه داشته باشد، ناامنی نیز وجود خواهد داشت. آگاه باشید اگر جنگ جدیدی علیه ایران آغاز شود، آتش آن دامن همه را فرا خواهد گرفت.

نیروی انتظامی با بیش از ۳۶۰ شهید در صف جان فدایان ایران ماندگار شد

مخبر، مشاور و دستیار رهبر معظم انقلاب اسلامی در حساب کاربری خود نوشت: پدشمن صهیونیستی جنگ را به شهرها کشاند و مراکز انتظامی را هدف گرفت تا امنیت مردم را درهم بشکند؛ نیروی انتظامی با تقدیم بیش از ۳۶۰ شهید ایستاد و نگذاشت حتی زیر آتش، نظم و زندگی لحظه ای متوقف شود. در صف جان فدایان ایران، نام فراچا با ایستادگی و شهادت فرزندان در میدان ماندگار شد.

ایران بدون بمب اتم به یک ابرقدرت تبدیل شده است

روح‌الله‌تفکرازاد عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی با تأکید بر جایگاه ایران در معادلات قدرت جهانی گفت: قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در جرگه ابرقدرت‌ها، واقعیتی مبرهن و حتی مورد اذعان بین‌المللی است.

وی افزود: سه جنگ بزرگ به ملت ایران تحمیل شد و ملت ما در هر سه جنگ، سربلند بیرون آمد. اهمیت سربلندی ایران در جنگ اخیر از آن جهت دوچندان است که ما با بزرگ‌ترین ارتش دنیا جنگیدیم و توانستیم دشمن را شکست دهیم.

عضو هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: موضوع تنها این نبود که دشمن به اهداف خود دست پیدا نکرد، بلکه جمهوری اسلامی ایران در جریان این جنگ به اهداف و دستاوردهای جدیدی نیز دست یافت. بنابراین، پیروزی در این جنگ صرفاً به معنای ناکامی دشمن در دستیابی به اهدافش نیست، بلکه کشور و ملت ما نیز به پیروزی‌هایی دست پیدا کرده‌اند.

نمایندگان مجلس پیگیر معیشت نیروهای مسلح

احمد راستینه، عضو شورای مرکزی مجمع نمایندگان ملت مبعوث، از پیگیری این مجمع در خصوص مسئله حقوق و معیشت نیروهای انتظامی خبر داد و در حساب کاربری خود نوشت: در جلسه شورای مرکزی مجمع نمایندگان ملت مبعوث ضمن تجلیل از جان فدایی فرزندان عزیزمان در نیروی انتظامی و تبریک این هفته که به نام آنها نامگذاری شده است، بر مسئله حقوق و معیشت آنها تأکید کردیم و آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین دستور کارهای مجمع نمایندگان ملت مبعوث قرار دادیم. نیروهای مسلح ما مقتدرانه اما مظلومانه جان فدای ملت ایران هستند و این وظیفه مجلس و دولت است که نسبت به موضوع حقوق و تریم معیشت نیروهای مسلح اقدام فوری کند.

شهادت دو نیروی مدافع وطن توسط تروریست‌های مسلح

صبح روز گذشته در جریان حمله تروریست‌های مسلح به ماشین گشت انتظامی در محور بمپور ایرانشهر، دو شهید والا مقام، شهیدان امیرحسین قاسمی و نظام دست‌گشاده به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

ابهامات

آئین‌نامه جدید استخدامی

پیشوایی، رئیس

سازمان بسیج

استاد؛ متأسفانه

یک آیین‌نامه

استخدامی جدید،

با اصلاح آیین‌نامه

قبلی، در یکی دو

هفته اخیر منتشر

شده است. ما

نسبت به آن بسیار

نگران هستیم. وی

افزود: «متأسفانه

در آیین‌نامه، شرط

الترام به ولایت

فقیه که یکی از

شروطی بود که

استاد باید برای

استخدام داشته

باشند، برداشته

شده است. شرط

اینکه اگر کسی در

اغتشاشات بوده

نیز متأسفانه

برداشته شده

است.

با وجود هشدار و مطالبه نمایندگان مجلس در برخورد قاطع با عناصر هنجارشکن زمستان ۱۴۰۴، وزارت علوم پیگیر تسهیل ورود اساتید ضدانقلاب به دانشگاه است

آشوب پشت در دانشگاه

آیین‌نامه جدید استخدامی اعضای هیئت علمی که در یکی دو هفته اخیر منتشر شده، با حذف شرط التزام به ولایت فقیه، نداشتن سابقه حضور در اغتشاشات و صلاحیت‌های اخلاقی، نگرانی شدید فعالان انقلابی و نمایندگان مجلس را برانگیخته است؛ موضوعی که راه را برای نفوذ اساتید ضدانقلاب و



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

شده در التزام به قانون اساسی و یکی، دو شرط دیگر که اضافه شده است.، پیشوایی در پاسخ به سوالی در مورد نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره آیین‌نامه گفت: هنوز شورا تأیید نکرده است. یک کار مربوط به آیین‌نامه استخدامی در مجموعه وزارت علوم بررسی شده و یک ویرایش تهیه شده که اشکالات متعددی دارد و با بسیاری از قوانین بالادستی نیز در تضاد است.

در آیین‌نامه جدید، صلاحیت عمومی استادان حذف شده

محمد منان رئیسی، نماینده مردم قم در مجلس با انتقاد از آیین‌نامه جدید استخدامی اعضای هیئت علمی، خطاب به وزیر علوم گفت: «تمام موارد مربوط به صلاحیت عمومی استادان از جمله اعتقاد به قانون اساسی و دین اسلام، نداشتن سابقه عضویت در گروه‌های معارض، فعالیت علیه جمهوری اسلامی و حضور در اغتشاشات حذف شده است.» وی افزود: «حتی کشف حجاب هم در ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری پیش‌بینی نشده و با آیین‌نامه، نمی‌دانم چگونه باید درباره صلاحیت عمومی متقاضیان اظهار نظر کنیم.» رئیسی با اشاره به حضور دانشجویان مکشّفه در دانشگاه گفت: «سراین قضیه خیلی از شما گله دارم؛ نگذارید دانشگاه از دست برود.»

نمایندگان خواستار برخورد با اساتید آشوب طلب

پیش از این نیز، روح‌الله‌جابت، نماینده مردم شیراز و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی ضمن انتقاد از عملکرد وزیر علوم،

پرسش‌هایی را درباره نحوه برخورد با عوامل تحرکات ساختارشکنانه در دانشگاه‌ها مطرح کرده بود. وی با طرح پرسشی از وزیر علوم گفته بود: «برای ریشه‌کن کردن تحرکات مخرب عوامل مخمل نظم در دانشگاه که خسارت‌های مادی و معنوی متعدد به کشور وارد کردند، چه تدابیر مشخص سلبی و پیشگیرانه‌ای اندیشیده‌اید؟»

نجابت همچنین به نقش برخی اعضای هیئت علمی در وقایع زمستان ۱۴۰۴ پرداخت و گفت: «مستندات نشان می‌دهد معدودی از اعضای هیئت علمی در این وقایع به جای آرام کردن فضا، عملاً در نقش پیاده‌نظام میدانی دشمن عمل کرده و علاوه بر تلاش برای انحراف فکری دانشجویان، به التهاب دامن زدند.» وی در همین زمینه از وزیر علوم درباره برنامه وزارتخانه برای «مهار، برخورد قانونی و عنداللزوم لغو قرارداد» این دسته از اساتید سؤال کرد و همچنین خواستار تشریح برنامه وزارت علوم برای جلوگیری از تسامح با عوامل قانون‌شکن و برخورد با آنان در سال جدید تحصیلی شد.

بنابراین به نظرمی‌رسد، حذف شروط بنیادین استخدام اعضای هیئت علمی، گامی خطرناک در جهت تضعیف هویت انقلابی دانشگاه‌ها باشد. آنهم در شرایطی که دشمن آمریکایی-صهیونیستی حساب ویژه‌ای روی ملتهب نمودن فضای دانشگاهی کشورمان باز کرده است، بنابراین مشخص نیست که چرا وزارت علوم به جای برخورد قاطع با اساتید ضدانقلاب و هنجارشکن که مورد مطالبه نمایندگان مجلس و دانشجویان انقلابی می‌باشد، رویه‌ای کاملاً متضاد در پیش گرفته و شرایط را برای تسهیل ورود آنها به دانشگاه باز کرده است!

بهارستان

خضریان: تنگه هرمز، استالین‌گرا د جنگ ایران و آمریکا است

علی خضریان در نطق میان دستور جلسه علنی مجازی روز یکشنبه ۱۲ مهر مجلس اظهار داشت: یکی از اصلی‌ترین اهرم‌های قدرت ملی ایران که رهبر معظم انقلاب هم با هوشمندی مثال‌زدنی از آن تحت عنوان «هدیه الهی» و «پر خیر و برکت» یاد فرموده‌اند. تسلط و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بر تنگه استراتژیک هرمز است. تنگه هرمز، راه تنفس و گلوگاه اقتصاد جهانی است که امروزه بسته شدن آن، دشمن را نه فقط به نفس تنگی انداخته، بلکه به خفگی نزدیک کرده است. وی افزود: اهمیت این نگاه راهبردی به تنگه هرمز آنجایی است که یادآوری کنم در طول ۲۰ تا ۳۰ سال گذشته، خیلی از تصمیم‌سازان در کشور تلاش می‌کردند در موضوع اهمیت تنگه هرمز بی‌اعتبارسازی کنند و اهمیت راهبردی آن را با ارائه آمارهای غلط از سهم تنگه هرمز در ترانزیت نفت، منکر شوند. خضریان تأکید کرد: جریانی که همچنان بر مواضع غلط از سهم تنگه هرمز در ترانزیت نفت، منکر شوند. خضریان تأکید کرد: جریانی که همچنان بر مواضع غلط نباید اجازه دهند تصمیم‌سازان نفوذی، تنگه هرمز را در ذهنشان بی‌اعتبار کنند. نماینده مردم تهران در پایان تصریح داشت: نقش تنگه هرمز در این جنگ، همانند نقشی است که «استالین‌گرا» در جنگ جهانی دوم داشت؛ استالین‌گرا د یک شهر کوچک بود که سرنوشت جنگ جهانی دوم در آن رقم خورد و موجب نظم جدید دو قطبی و سپس جهان آمریکاپایه گردید.



یادداشت

حبس نمایندگان
انقطاع یا استمرار نمایندگیدکتر غلامحسین الهام
وزیر پیشین دادگستری

عنوان نمایندگی، متخذ از رأی مردم است. انتخابی است که یک بار برای مدت چهار سال صورت می گیرد. این انتخاب، بعد از تصویب اعتبارنامه از سوی مجلس، منجز می شود. سلب عنوان نمایندگی در قانون اساسی و آیین نامه داخلی مجلس پیش بینی نشده است. تنها استعفا، با تصویب مجلس، در آیین نامه داخلی ذکر شده است.

در قانون مجازات اسلامی، برخی محکومیت ها دارای آثار تبعی هستند؛ یعنی موجب محرومیت از حقوق اجتماعی می شوند. از جمله حقوق اجتماعی، حق داوطلب شدن در انتخابات مجلس شورای اسلامی است. واضح است که حق داوطلب شدن برای نمایندگی، غیر از خود نمایندگی است. بنابراین، اگر نماینده ای در دوره نمایندگی محکومیت قطعی پیدا کرده باشد، حتی اگر محکومیت موجب محرومیت از حقوق اجتماعی هم باشد، محکوم را از عنوان نمایندگی خلع نمی کند؛ چه رسد به اینکه محکومیت، آثار تبعی، یعنی محرومیت، نداشته باشد؛ مانند جرایم مطبوعاتی و سیاسی یا حبس های دو سال و کمتر از آن.

بنابراین، نمایندگانی که در مدت نمایندگی محکوم به زندان شوند و چون همچنان نماینده هستند، باید قوه قضائیه شرایط لازم را برای شرکت آنان در جلسات مجلس، اعم از صحن و کمیسیون ها، فراهم سازد. و اگر احیاناً جلسات مجازی باشد، در زندان امکان مشارکت در ایفای وظایف باید برای او فراهم شود.

شاید گفته شود در تبصره یک ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی، محکومیت اصلی یا تبعی به محرومیت از حقوق اجتماعی موجب انفصال از خدمت مستخدمان حکومتی می شود. پاسخ این است که نماینده مجلس هیچ گاه مستخدم حکومتی تلقی نشده و حتی اگر به این عنوان توصیف شوند، عرفاً توهین به مجلس و نماینده تلقی می شود. البته این حکم هم محدود به موارد دارای اثر تبعی است. لذا به نظرمی رسد قوه قضائیه شایسته است یا حکم به حبس در مورد نمایندگان صادر نکند، یا اجرای حکم را در دوره نمایندگی متوقف کند؛ چه ارتکاب جرم قبل از نمایندگی باشد، چه حین نمایندگی.

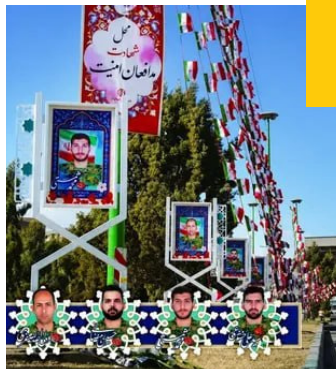
یادداشت کوتاه

تحقیق و تفحص مجلس
از دادگاه ویژه روحانیت

روحانیزد خواه، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، طی یادداشتی در کانال شخصی خود نوشت: دادگاه ویژه روحانیت، قانون مشخصی مصوب مجلس ندارد که جزییات سازوکارهای این دادگاه را بررسی و تعیین کرده باشد. روال دادرسی و احکام صادره در این دادگاه، از چند سال پیش تاکنون، مورد نقد و تحلیل بسیاری از فعالان و کارشناسان قرار می گیرد. انتقاد کلی به این دادگاه آن است که تصور که در محاکمه روحانیون مستقل و انقلابی در اتهامات سیاسی و رسانه ای، شدت و حدت بخرج می دهد، در محاکمه روحانیون صاحب قدرت و ذی نفوذ جناح های سیاسی، چنین سرسختی ندارد. بلکه در مقابل شکایات رسمی مجلس از شخصی مثل حسن روحانی (۳ بار در سال ۹۹)، متانت و سکوتی تعجب برانگیز بخرج می دهد! چنانچه به همکاران به جمع بندی برسیم، طرح تحقیق و تفحص از سازوکارهای دادگاه ویژه روحانیت را کلید خواهیم زد.

عاملان جنایت میدان علیخانی اصفهان به دار مجازات آویخته شدند

صبح روز گذشته، علیرضا سپاهی و علیرضا رئیسی دو تن از عناصر جنایت اصفهان که اقدامات فجیع و وحشیانه آنها منجر به شهادت مظلومانه ۴ نیروی فراجا شد، پس از رسیدگی به پرونده و تأیید حکم در دیوان عالی کشور به دار مجازات آویخته شدند. در جریان این حملات، مأموران نیروی انتظامی که برای برقراری نظم و امنیت در محل حضور داشتند، هدف حمله قرار گرفته و به طرز فجیعانه ای به شهادت رسیدند و پس از شهادت نیز به پیکر آنان هتک حرمت شد. با توجه به اظهارات متهمان دستگیرشده، تصاویر



اجرای حکم حبس رسایی در دوران نمایندگی، عملاً حضور او در مجلس و پیگیری مطالبات رأی دهندگان را محدود می کند

حبس نماینده
و حق مردم

محکومیت حمید رسایی به ده ماه حبس، در پی انتشار مطالب انتقادی درباره رئیس مجلس، پرسشی فراتر از اختلاف دو چهره سیاسی مطرح می کند: مرز نقد تند با نشر اکاذیب کجاست و حتی در صورت اثبات جرم، آیا زندان پاسخی ضروری و متناسب است؟ بررسی این پرونده مستلزم توجه همزمان به حق اشخاص بر حفظ حیثیت، تضمین های دادرسی منصفانه و آثار اجرای حبس نماینده بر حقوق رأی دهندگان است.

بهبار مقیمی سارانی

پژوهشگر و مدرس حقوق جزا و جرم شناسی

مرجع، علنی بودن رسیدگی و تضمین های ویژه جرایم سیاسی و مطبوعاتی باید بررسی شود (قانون اساسی، اصول ۳۴، ۳۵ و ۱۶۸). هر چند رأی بدوی از حضور هیئت منصفه مطبوعات سخن می گوید، این امر به تنهایی رعایت تمامی تضمین های دادرسی منصفانه را اثبات نمی کند.

ضرورت حبس، تناسب کیفر

و حق مردم بر نمایندگی

حتی با فرض اثبات جرم، محکومیت کیفری لزوماً به معنای ضرورت زندان نیست. مطابق ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی و اصلاحات بعدی، تعیین میزان حبس باید با توجه به شدت رفتار، انگیزه مرتکب، آثار جرم و شرایط فردی، مستدل و متناسب باشد. در پرونده رسایی، انتخاب ده ماه حبس این پرسش را مطرح می کند که چرا راهکارهای کم محدودیت تر، مانند پاسخ و تکذیب، جبران آسیب حیثیتی یا سایر تدابیر قانونی، کافی تشخیص داده نشده اند؟ پاسخ قطعی به این پرسش نیازمند دسترسی به متن کامل رأی تجدیدنظر است.

موضوع مهم دیگر، حق مردم بر نمایندگی است. هر چند رفتارهای مورد شکایت در سال ۱۴۰۲ و پیش از آغاز نمایندگی فعلی رسایی رخ داده و مشمول حمایت وظیفه ای اصل ۸۶ قانون اساسی نیست، اجرای حبس در دوران نمایندگی، عملاً حضور او در مجلس و پیگیری مطالبات رأی دهندگان را محدود می کند. بنابراین، جایگاه نمایندگی نباید موجب مصونیت از قانون شود؛ اما آثار عمومی زندان نیز نمی تواند در ارزیابی نوع و شیوه اجرای مجازات نادیده گرفته شود. عدالت کیفری مستلزم پاسخ گویی همراه با تناسب است، نه الزاماً سلب آزادی.

ملاحظات فقهی و حقوقی

در فقه امامیه، حفظ آبروی اشخاص همان قدر اهمیت دارد که پرهیز از مجازات بدون دلیل معتبر. قاعده «البینه علی المدعی» و اصل

برائت نیز بر ضرورت اثبات اتهام تأکید دارند. از سوی دیگر، هر گفتار ناپسند یا جرمی لزوماً جرم قابل مجازات نیست (اصول ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی). حتی در صورت اثبات جرم، تعیین مجازات باید متناسب با شدت رفتار و شرایط مرتکب باشد (ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی). بنابراین، حمایت از حیثیت اشخاص، به تنهایی توجیه کننده ضرورت حبس نیست.

نتیجه گیری و پیشنهاد

حمایت از آبروی اشخاص، حتی مقامات عمومی، ضروری است؛ اما نقد عملکرد صاحبان قدرت نیز نباید بدون احراز دقیق عناصر جرم، به حبس منتهی شود. در پرونده حمید رسایی، صرف نظر از اختلافات سیاسی، پرسش اصلی آن است که آیا ضرورت و تناسب ده ماه حبس به اندازه کافی توجیه شده است؟ نبود متن کامل رأی قطعی، مانع داورى نهایی است.

پیشنهاد می شود ضمن شفاف سازی مستندات محکومیت، امکان استفاده از پاسخ رسانه ای، جبران آسیب حیثیتی و مجازات های قانونی غیرسالب آزادی بررسی شود. نمایندگی مجلس مصونیت شخصی ایجاد نمی کند؛ باین حال، آثار حبس بر حقوق رأی دهندگان نیز نباید نادیده گرفته شود. اجرای عدالت، علاوه بر قانونی بودن مجازات، نیازمند تناسب، استدلال روشن و توجه به پیامدهای فردی و اجتماعی آن است.



ذخایر نفت آمریکا به پایین‌ترین میزان ۴ دهه اخیر سقوط کرد



ذخایر نفت خام در «ذخایر راهبردی نفت» آمریکا به پایین‌ترین سطح خود از اکتبر ۱۹۸۲ رسیده است؛ وضعیتی که در بحبوحه ادامه اختلالات بازار جهانی انرژی و آزادسازی گسترده نفت از ذخایر اضطراری آمریکا برای مهار تبعات بحران تنگه هرمز، نگرانی‌ها درباره کاهش حاشیه امن انرژی واشنگتن را افزایش داده است. رویترز نوشت: ذخایر نفت خام در ذخایر راهبردی نفت آمریکا (SPR) در هفته منتهی به ۲۵ سپتامبر به ۲۸۳.۸ میلیون بشکه کاهش یافت که پایین‌ترین میزان از اکتبر ۱۹۸۲ تاکنون محسوب می‌شود. داده‌های رسمی اداره اطلاعات انرژی آمریکا رقم دقیق ذخایر را در پایان این هفته ۲۸۳.۷۶۷ میلیون بشکه اعلام کرده است. این میزان در یک هفته حدود ۸۰۰ هزار بشکه کاهش یافته است. همچنین در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته،

ذخایر راهبردی آمریکا حدود ۱۲۲.۹ میلیون بشکه، معادل ۳۰.۲ درصد، کاهش داشته است. کاهش ذخایر آمریکا بخشی از برنامه گسترده آزادسازی نفت برای مقابله با اختلالات عرضه در بازار جهانی است. دولت آمریکا در ماه مارس با شروع جنگ متعهد شد در چارچوب برنامه هماهنگ آژانس بین‌المللی انرژی، در مجموع ۱۷۲ میلیون بشکه از ذخایر راهبردی خود را وارد بازار کند. از آغاز ماه مارس تاکنون حدود ۱۳۱.۶۴ میلیون بشکه از ذخایر راهبردی آمریکا آزاد شده است؛ با این حال، تمام این مقدار به معنای مصرف نهایی نفت نیست، زیرا بخشی از برنامه آمریکا به شکل وام نفتی و تبادل انجام می‌شود و شرکت‌های دریافت‌کننده متعهد شده‌اند نفت را همراه با مقداری اضافی به ذخایر بازگردانند. وزارت انرژی آمریکا در تازه‌ترین اقدام نیز پیشنهاد وام دهی تا

۴۰ میلیون بشکه نفت دیگر از ذخایر راهبردی را مطرح کرده است. این اقدام، آخرین بخش از تعهد ۱۷۲ میلیون بشکه‌ای آمریکا در چارچوب برنامه هماهنگ آزادسازی ذخایر عنوان شده است. قانون آمریکا اجازه برداشت‌های معمول و محدود از ذخایر راهبردی را در صورت کاهش سطح آن به زیر ۲۵۲.۴ میلیون بشکه نمی‌دهد؛ هرچند در شرایط اضطراری گسترده، امکان آزادسازی نفت همچنان وجود خواهد داشت. کاهش ذخایر آمریکا بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر برای تزریق نفت به بازار جهانی است. آژانس بین‌المللی انرژی در ماه مارس اعلام کرده بود کشورهای عضو این نهاد، در مجموع ۴۰۰ میلیون بشکه نفت از ذخایر اضطراری خود را برای مقابله با اختلالات بازار، آزاد خواهند کرد. تاکنون حدود ۳۲۵ میلیون بشکه، معادل بیش از ۸۰ درصد از این ۴۰۰ میلیون بشکه، آزاد شده است.

کارشناسان در خصوص سیاست‌های ارزی دولت هشدار دادند؛

شوک درمانی یا تکرار خطاهای گذشته

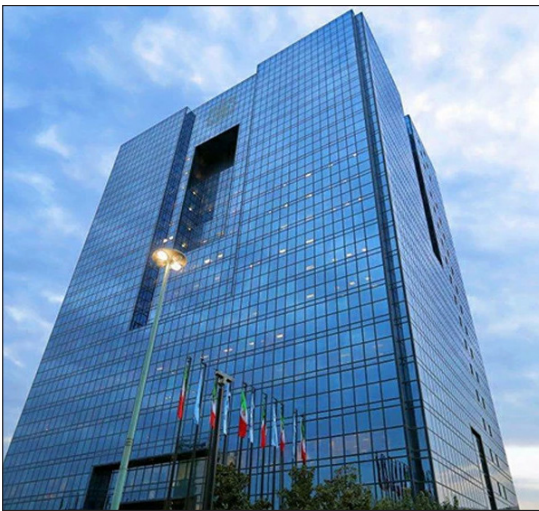
تحولات پولی و ارزی کشور پس از بازگشت عبدالناصر همتی به سکان هدایت بانک مرکزی در ۱۰ دی‌ماه سال گذشته، با انتقادات گسترده‌ای مواجه بوده است. سیاست‌گذاری ارزی ماه‌های اخیر با محوریت همتی، با طرح شعارهایی نظیر «تک‌نرخ‌سازی» و «مبارزه با رانت»، در عمل به مسابقه‌ای بی‌سابقه برای گران‌سازی نرخ رسمی ارز و نزدیک کردن آن به نرخ‌های لجام‌گسیخته بازار غیررسمی بدل شده است؛ سیاستی که نه تنها رانت را مهار نکرد، بلکه به جهش‌های زنجیره‌ای قیمت‌ها، کوچک‌تر شدن سفره معیشت مردم و هدایت مستقیم تورم به بخش تولید منجر شد.

نیز در حال اجراست، عرضه مستقیم دلار است؛ اعلام می‌کنند هر فردی با در دست داشتن کارت ملی بیايد و دلار بخرد (مثلاً با نرخ ۲۵۴ هزار تومان). سؤال ما از رئیس کل بانک مرکزی این است که چرا دارید بین مردم ارز پخش می‌کنید؟ این اقدام یک سیاست کاملاً اشتباه است. بازار ارز یک بازار مضر است که وظیفه شما جمع کردن کامل آن است، اما با این اقدامات عملاً به آن رونق می‌بخشید. وی تأکید کرد: شما به جای آنکه جامعه را به سمت استفاده از ابزارهای سرمایه‌گذاری مولد سوق دهید، مردم را تشویق به خرید دلار می‌کنید. اینکه مردم ارز بخرند و آن را زیربالش خود بگذارند چه گرهی از مشکلات کشور باز می‌کند؟ بانک مرکزی موظف است ابزارهای سرمایه‌گذاری مبتنی بر پول ملی طراحی کند؛ با تشویق مردم به انبار کردن طلا و دلار، هیچ دردی از مشکلات اقتصادی کشور دوا نخواهد شد.

جنگ سیاست‌گذاری‌ها

مصطفی پوردهقان، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، بیان کرد: «وزاری دولت سؤال کردم که اگر فردا صبح صبح و پایان جنگ اعلام شود، آیا وضعیت شاخص‌های اقتصادی مایه‌بهد می‌یابد؟ پاسخ قطعاً منفی است. ما پیش از آنکه وارد یک جنگ واقعی نظامی شویم، گرفتار جنگ سیاست‌گذاری‌ها در مجموعه بانک مرکزی و وزارت اقتصاد بوده‌ایم. بخش عمده این جهش‌های نرخ ارز مستقیماً ناشی از حوزه سیاست‌گذاری‌های داخلی است؛ بنابراین اگر تصور کنیم ریشه این معضلات خارج از چارچوب تصمیمات ماست، این مصداق بارز فرار از مسئولیت است.

وی افزود: ساختار اقتصادی ما حتی در صورت عدم وقوع جنگ نیز به همین سمت حرکت می‌کند و جنگ شاید تنها روند آن را تشدید کرده باشد. مسیر اقتصاد به گونه‌ای بود که بروز تورم‌های سه‌رقمی پیش‌بینی می‌شد و متأسفانه محقق شد. ما تمامی این هشدارها را پیش‌تر در نامه‌ای رسمی از سوی مجلس به آقای رئیس‌جمهور منتقل کردیم و متذکر شدیم که زمزمه‌های اجرای شوک درمانی توسط دولت، تبعات سنگینی در پی خواهد داشت. آدرس غلط دادن به مردم برای توجیه ناکارآمدی‌ها، کاملاً اشتباه است. این یک قاعده ساده اقتصادی است که وقتی دولت نرخ ارز را افزایش می‌دهد، این جهش بلافاصله بر بدهی‌های تمام‌شده مواد اولیه و کالاهای داخلی اثر گذاشته و موج گرانی ایجاد می‌کند.



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

متأسفانه طراحان این سیاست‌ها به جای پذیرش خطای راهبردی خود، تلاش می‌کنند پیامدهای تورم‌زای تصمیمات داخلی، نظیر جهش نرخ ارز در مرکز مبادله و کاهش ارزش پول ملی را پشت نقاب «جنگ» پنهان کنند و آدرس غلط به افکار عمومی بدهند. این رویکرد، صدای اعتراض طیف گسترده‌ای از صاحب‌نظران، نمایندگان مجلس و فعالان تولیدی را بلند کرده است. هشدار صریح کارشناسان بر این واقعیت استوار است که افزایش عمده نرخ ارز برای کالاهای اساسی و نهاده‌های تولیدی، نه تأمین‌کننده عدالت است و نه مهارکننده رانت؛ بلکه شوک درمانی آشکاری است که کشور را در چرخه باطل «جهش ارز، جهش هزینه‌های تولید و تشدید تورم» غرق می‌کند.

ریشه‌های جهش قیمت دلار و تورم

فرشاد مؤمنی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، با انتقاد از سیاست‌های ارزی می‌گوید: مگر می‌شود در این مملکت با افزایش دادن نرخ ارز، تورم را کنترل کرد؟ آقایان بی‌سابقه‌ترین مناسبات رانتی را برپا می‌کنند و هم‌زمان مدعی می‌شوند که هدفشان مبارزه با رانت است! می‌گویند ما شوک نرخ ارز ایجاد می‌کنیم تا تورم را کاهش دهیم و فرد دیگری می‌آید و می‌گوید ما شوک نرخ ارز ایجاد می‌کنیم تا عدالت برقرار کنیم. سید شمس‌الدین حسینی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز با انتقاد از وضعیت سرمایه‌گذاری و هشدار نسبت به وضعیت منابع ارزی کشور اظهار داشت: بنده نقد‌های جدی بر سیاست‌های ارزی دارم. ما باید وضعیت ذخایر ارزی کشور را با دقت رصد کنیم؛ در شرایطی که ذخایر ارزی کشور به‌طور متوالی افست کرده و تحلیل رفته است، نحوه اجرای سیاست‌ها کاملاً محل اشکال است. این وزیر اسبق اقتصاد تصریح کرد: دقیقاً همان زمانی که می‌خواستید سیاست‌های خود را پیاده‌سازی کنید، به سمتی حرکت کردید که با تهدید ذخایر ارزی کشور، هم نرخ ارز به سمت بالا جهش پیدا کند و هم به تبع آن، پایه پولی و سطح قیمت‌ها افزایش یابد.

موج خبر

شما خودت «فشار دشمن» هستی!

میلاد آصفری
روزنامه‌نگار

رئیس بانک مرکزی دولت پزشکیان در تازه‌ترین اظهارنظر خود، جهش نرخ ارز را به «فشار دشمن» نسبت داده است. این در حالی است که عملکرد عبدالناصر همتی در سه دوره مسئولیت ارشد اقتصادی، خود به یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی بازار ارز و تقویت سیاست‌های فشار آمریکا علیه منافع ملی تبدیل شده است. دشمن از نخستین روز انقلاب اسلامی، ایران را تحریم کرده است. این واقعیتی کهنه است که هیچ سیاستگذاری نمی‌تواند آن را کشف تازه خود بداند؛ اگر قرار بود هر مقام اقتصادی با اشاره به «فشار دشمن» از پاسخگویی بگریزد، نیازی به وجود بانک مرکزی و وزارت اقتصاد نبود! کارنامه همتی هم خواندنی است. او نخستین بار در دولت دوم روحانی، ریاست بانک مرکزی را در دست گرفت. در همان دوره، جهش ارزی رخ داد و قیمت دلار از محدوده چهار هزار تومان به بیش از ۲۰ هزار تومان رسید. در تمام آن ماه‌ها، مسئولان بانک مرکزی نه پاسخ روشنی به مردم دادند و نه مسئولیت سیاست‌های خود را پذیرفتند. «فشار دشمن» به بهانه‌ای برای عبور از هر انتقادی تبدیل شد. پس از آن، همتی به وزارت اقتصاد رفت. مجلس او را برای قاطع برکنار کرد. نمایندگان در جلسه استیضاح، مدیریت او در بازار ارز و طلا، تخصیص ارز کالاهای اساسی و سقوط پول ملی را محورهای ناکارآمدی او برشمردند. پاسخ همتی در آن جلسه نیز همان بود: «فشار دشمن».

حالا برای سومین بار، همان فرد در رأس سیاستگذاری ارزی کشور قرار گرفته است. کمتر از یک ماه پس از انصاب او، قیمت دلار از مرز ۱۵۰ هزار تومان عبور کرد و اکنون رکورد ۲۷۰ هزار تومان را ثبت کرده است. همتی در برابر خبرنگارانی که درباره این جهش می‌پرسیدند، پاسخی نداد و از میان آنان گریخت. اینکه کشور از ابتدای انقلاب تحت تحریم و فشار دشمن بوده، کشف تازه‌ای نیست؛ اما پرسش بنیادین این است: وظیفه سیاستگذار در برابر این فشار چیست؟ آیا وظیفه او این است که بازار ارز را به بازیچه‌ای برای تنش‌های سیاسی و هدررفت منابع ارزی در اوج جنگ اقتصادی تبدیل کند؟ آیا وظیفه او این است که هر بار پول ملی سقوط کرد، انگشت اتهام را به سوی «دشمن» نشانه بگیرد و از پاسخگویی بگریزد؟ افزایش جهش و نرخ ارز در هر دو دوره مسئولیت او در بانک مرکزی، دقیقاً همان چیزی است که آمریکا برای تحت فشار قرار دادن اقتصاد ایران روی آن حساب می‌کند. این وضعیت، نه مقاومت در برابر دشمن، بلکه تحقق خواسته‌های دشمن است. سیاستگذاری اقتصادی در شرایط تحریم، دشوار است. اما دشوارتر از تحریم، داشتن سیاستگذاری است که شکست خود را به حساب دشمن می‌نویسد و از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کند.

سیاست‌های ارزی؛ موتور گرانی

داوود رنگی، رئیس فدراسیون پیور و نایب رئیس کمیسیون واردات اتاق بازرگانی ایران، با تأکید بر لزوم ثبات قیمت‌ها برای کالاهای اساسی و بازخوانی سیاست‌های گذشته گفت: کشور ما به خاطر ماهیت سیاست‌هایش، به تثبیت نرخ ارز برای کالاهای اساسی نیاز دارد. ما آزمون تک‌نرخی کردن ارز را بارها تکرار کرده‌ایم. وی با خطاب قرار دادن رئیس‌جمهور افزود: بنده می‌خواهم بگویم آقای رئیس‌جمهور! در آن زمان که می‌گفتید آقای رئیسی رانت ایجاد کرده است، فاصله نرخ ۲۸۵۰۰ تومانی با بازار آزاد حدود ۳۰ هزار تومان بود، اما اکنون خودتان این شکاف و رانت‌های ارز را افزایش داده‌اید؛ به طوری که فاصله نرخ‌ها از ۱۷۵ هزار تومان تا ۲۷۰ هزار تومان شده و شکاف به ۱۰۰ هزار تومان رسیده است؛ شما دارید نرخ را بالا می‌برید و خودتان رانت بزرگ‌تری ایجاد کرده‌اید.

خطای استراتژیک در بازار پول

محمدامین لنگری، اقتصاددان و استاد دانشگاه، با انتقاد از عرضه ارز براساس کد ملی گفت: یکی از سیاست‌های کاملاً غلطی که متأسفانه هم‌اکنون

گفتگوی خواندنی «نوبنیاد» با نماینده مردم تهران در مجلس درباره به‌هکاران نفتی

برخی تراسستی‌ها منتظر حمله آمریکا بودند تا پول‌ها را بالا بکشند

شهید بهشتی، فهرست ۱۰۰۰ شرکتی که بیشترین میزان تعهد ایفاننشده ارزی را دارند، به‌صورت کاملاً مستند استخراج شده و جزئیات آن به‌وضوح نشان می‌دهد چه سهمی متعلق به بخش دولتی و چه سهمی متعلق به شرکت‌های غیردولتی است.

تراسستی در لغت به معنای «امین» است؛ فرد یا شرکتی که در شرایط تحریم، نفت را از کشور تحویل می‌گیرد، آن را می‌فروشد و در ازای آن، کالای موردنیاز را وارد می‌کند. اما به گفته حسین مصمصای، نماینده تهران و عضو هیئت‌علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه



نیماسهیلی

روزنامه‌نگار

تعیین شد؛ هرچند مشخص نیست مبنای محاسبه این یک میلیون تومان دقیقاً چه بوده است. قرار بود اگر نرخ ارز افزایش یافت، مابه‌التفاوت آن به کالابرگ اضافه شود. اما با وقوع جنگ و عدم تحقق بخشی از درآمدهای دولت و افزایش هزینه‌ها، دولت با کسری بودجه مواجه شد و به احتمال زیاد آن منابع را صرف هزینه‌های دیگر برای جبران کسری‌ها کرد. در قانون بودجه، در جدول تبصره ۱۳ رقمی معادل ۹۹۶ هزار میلیارد تومان به کالابرگ اختصاص داده شده که با یک حساب ساده برای حدود ۸۳ میلیون نفر، دقیقاً معادل همان نفری یک میلیون تومان در ماه است و اساساً منبع اضافه‌ای برای افزایش آن پیش‌بینی نشده بود. خطای نخست، حذف ارز ۲۸۵۰۰ و جایگزینی آن با کالابرگ بود؛ خطای دوم رقم این یک میلیون تومان بود. بنده محاسبه کردم که با حذف تالار اول و حذف ارز ۲۸۵۰۰، ما ماهیانه معادل ۵ میلیون تومان از جیب هر فرد برداشتیم و در ازای آن تنها ۱ میلیون تومان دادیم. به همین دلیل مردم از کالابرگ ناراضی هستند؛ چراکه به هیچ وجه گرانی کالاهارا جبران نکرد. وعده افزایش آن متناسب با نرخ ارز نیز به دلیل کسری بودجه روی زمین ماند.

آیا نمی‌شود ارز ترجیحی را حفظ کرد؟

مصمصای: بهانه آوردند که ارز نداریم، در حالی که ما سال گذشته منابع واردات کالاهای کشاورزی و اساسی را به هر شکلی تأمین کردیم؛ نزاع اصلی سر نرخ ارز بود. به عقیده من، همان مبالغی که تأمین شد اگر با نرخ ۲۸۵۰۰ اختصاص پیدا می‌کرد و مابه‌التفاوت آن حتی از پایه پولی بانک مرکزی تأمین می‌شد، آثار مخرب اجتماعی و اقتصادی آن به مراتب کمتر از این تلاطمات و گرانی‌ها بود. هر دو شیوه هزینه داشت، اما هزینه حفظ نرخ ۲۸۵۰۰ برای سفره مردم بسیار کمتر بود.

مبالغ بزرگی از ارز در اختیار برخی بانک‌ها یا

تراسستی‌های بانکی (نظیر آنچه درباره برخی بانک‌ها

شنیده می‌شود) است. وضعیت شفافیت آماری آن‌ها چگونه است؟

مصمصای: شاید حتی خود بدنه دولت هم آمار و ارقام دقیقی از این مبالغ نداشته باشد؛ ولی دستگاه‌ها و مراجع نظارتی باید اشراف کامل داشته باشند و رفتار این مجموعه‌ها را به‌طور دقیق رصد و کنترل کنند.

برخی از تراسستی‌ها تلاش می‌کنند خود را به عنوان متجانب اقتصاد کشور معرفی کنند. آیا با این دیدگاه موافقت می‌کنید؟

مصمصای: ضرب‌المثلی هست که می‌گوید «آب که سر بالایی می‌رود، قورباغه ابوعطا می‌خواند!»؛ حکایت وضعیت امروز ماست. بسترهایی که در شرایط خاص برای کشور ایجاد شد، شرایطی را فراهم کرد که برخی از آن‌ها بیایند و مدعی حل مشکلات شوند. شاید ظاهر را در جاهایی کمکی کرده باشند، اما منافع هنگفت و سرشاری را به جیب زدند. یک ریال خدمت آوردند و ۱۰۰ ریال منفعت شخصی برداشتند! در عرصه اقتصاد، ما به سر بالایی نیاز داریم که مثل رزمندگان دفاع مقدس پای لایحه بنشینند؛ کسانی که از جان، منافع شخصی و جیب خود بگذرند و سرتاپای وجودشان خدمت به مردم باشد.

اگر تراسستی برگزیده می‌شود، باید مخلصانه در خدمت منافع مردم باشد و به درآمدی متعارف قناعت کند. اما افرادی که به کار گرفته شدند، عموماً به دنبال کیسه‌دوختن برزی خود بودند. کسی که روزگاری در بانک مرکزی راننده بوده است، چطور ممکن است به سرمایه‌های میلیارد دلاری برسد؟ این‌ها پول ملت و درآمدهای نفتی این کشور است. نفت کشور باید صرف سفره مردم شود، نه اینکه فردی ۵ تا ۱۰ درصد را سهم خود بدانند و میلیارد‌ها دلار برای خود بردارد! بسیجی، ارتشی و سپاهی ما در میدان جنگ بدون هیچ چشم‌داشتی جان خود را می‌دادند؛ لایحه‌فروشی می‌کنند، شهیدی می‌شوند یا دست و پایشان قطع می‌شود؛ اگر کسی واقعاً قصد خدمت در جنگ اقتصادی دارد، باید مانند آن‌ها فداکارانه عمل کند، نه اینکه از شرایط سوءاستفاده کرده و ثروت‌های نجومی به جیب بزند.

این مدل تراسستی‌گری که ما ساختیم، در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد و چنین شیوه‌ای در اقتصاد جهانی دیده نمی‌شود. متأسفانه عده‌ای با غارت منابع، حاضره بازگرداندن ارز نشدند و در همین فضا برخی ارگان‌ها مثل سازمان توسعه تجارت هم اعتراض می‌کردند که چرا صادرکننده را برای بازگشت ارز تحت فشار می‌گذارید! کسی که ارز حاصل از منابع ملی را بازنمی‌گرداند، در حال تاراج دارایی‌های این مردم است.

عهده وزارت نفت، دستگاه‌های اطلاعاتی و شورای عالی امنیت ملی است و مقصران اصلی، مجموعه‌هایی هستند که این ساختارها را بدون نظارت کافی شکل دادند. درست است که در شرایط تحریم ناچار به استفاده از این سازوکارها بودیم، اما باید تضمین‌های سفت‌وسخت و لازم‌الخذ می‌شد و نظارت دقیق صورت می‌گرفت تا منابع مردم توسط افراد خاص غارت نشود. در انعکاس این موضوع باید توجه داشت که با وجود خدمات برخی تراسستی‌ها در تسهیل امور، گروهی دیگر این منابع ملی را به تاراج بردند.

نزدیک به ۹۰ درصد نفت ما به چین فروخته می‌شود

و کشورهای مثل چین و روسیه توانسته‌اند دلار را

از مبادلات خود حذف کنند. چرا ما به سمت حذف

واسطه‌ها و تراسستی‌ها نمی‌رویم؟

مصمصای: این دقیقاً یکی از اشکالات بنیادین کار ماست. ما در شرایط کنونی به راحتی می‌توانیم نقل و انتقالات و مبادلات را به سمت تجارت دوجانبه با چین سوق دهیم و تراسستی‌ها را جمع کنیم. باید از این «موش‌کوله بازی» [یا موش و جربه بازی] در تجارت خارجی خارج شویم و وارد تجارت رسمی دوجانبه شویم.

تبعات مستقیم عدم بازگشت ارز توسط تراسستی‌ها در سفره مردم چیست؟

مصمصای: اصل‌ریشه آن تلاطمات و ماجراهایی که در قالب کمبود منابع ارزی به وقوع پیوست، همین موضوع بود. بهانه آوردند که ما ارز ۲۸۵۰۰ تومانی نداریم؛ در حالی که ارز ۲۸۵۰۰ تومانی از محل همین درآمدهای نفتی تأمین می‌شد. یعنی تراسستی‌ها ارز را بازگرداندند و آقایان با این توجیه که ارز نفتی نداریم، سیاست حذف ارز ترجیحی را اجرا کردند. به دنبال آن، تحولات سنگین سیاسی، حمله آمریکا و حوادث بعد رخ داد. براساس گزارش‌های غیررسمی، برخی از این تراسستی‌ها عمداً ارز را برنمی‌گرداندند؛ یا با پول نفت ما به دشمنان کمک می‌کردند، یا منتظرو خوشحال بودند و گمان می‌کردند نظام بعد از چند ماه ساقط می‌شود و آن‌ها می‌توانند این کوه از منابع ارزی را پیش خود نگه دارند و به اصطلاح مال خود کنند و بالا بکشند! مادر انتخاب تراسستی‌ها دقت لازم را به خرج ندادیم. این افراد کمبود صوری منابع ایجاد کردند، با یک سیاست غلط نرخ ۲۸۵۰۰ تومانی را حذف کردند، قیمت ارز بالا کشید، بهای کالاهایش پیدا کرد و اعتراض بازاری‌ها بلند شد؛ زیرا هیچ ثباتی در بازار وجود نداشت.

در خصوص موضوع کالابرگ، دولت وعده داده بود

با افزایش نرخ ارز، مابه‌التفاوت آن در کالابرگ جبران

شود. نرخ ارز از ۱۱۴ و ۱۲۰ هزار تومان به بالای ۱۷۰

هزار تومان رسید، اما تغییری ایجاد نشد. وضعیت این

حوزه را چطور تحلیل می‌کنید؟

مصمصای: کالابرگی که تخصیص دادند، براساس نرخ ارز ۱۱۴ هزار تومانی و به میزان یک میلیون تومان

شما نامه‌ای هم در این رابطه در آذر سال گذشته به وزیر وقت نفت (محسن پاک‌نژاد) ارسال کرده بودید. محور اصلی آن چه بود؟

مصمصای: بله، نامه‌ای شامل ۹ سؤال دقیق و کارشناسی تنظیم و سال گذشته (پیش از رخدادهای اخیر) به آقای پاک‌نژاد ارسال کردیم. سؤال اصلی ما این بود که مبلغ دقیق منابع ارزی متعلق به وزارت نفت و شرکت‌های تابعه که در حال حاضر نزد تراسستی‌ها، واسطه‌ها و حساب‌های خارجی قرار دارد، چقدر است؟ متأسفانه وزارت نفت تاکنون پاسخی به این مکاتبه نداده است، اما ما همچنان پیگیر اخذ پاسخ شفاف هستیم. همچنین در قالب ماده ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس با امضای نمایندگان، پرونده عدم بازگشت ارز و اجرای قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را برای رسیدگی به قوه قضاییه ارجاع داده‌ایم.

برخی مسئولان دولتی و اقتصادی، تلاطمات و نوسانات

ارزی را به گردن تراسستی‌ها می‌اندازند و می‌گویند این

افراد ارز را تزریق نکردند. اساساً ماهیت کار تراسستی‌ها

چیست، مقصر اصلی کیست و آیا همه آن‌ها در این

تخلّفات سهیم هستند؟

مصمصای: تراسستی یعنی افراد «امین». سازوکار به این صورت بوده است که ما نفت را تحویل تردرها دادیم؛ تردرها این منابع ارزی را به تراسستی‌ها دادند و از مسیر این تراسستی‌ها اقلام و کالاهایی که نیاز کشور بود، وارد شد. اما متأسفانه زمانی که این منابع در حساب‌های این افراد نشست یا نفت را تحویل گرفتند، عده‌ای از آن‌ها منابع را بالا کشیدند، برنگرداندند و غارت کردند. ما سال گذشته به دلیل کمبود ۴ تا ۵ میلیارد دلار از آن اتفاقات و تکان‌ها در کشور شاهد بودیم؛ آن هم ارزی که داشتیم و به درستی مدیریت نشد. ما برای دسترسی به ۲۰ میلیارد دلار منابع ارزی می‌رویم یادداشت تقاهم امضای کنیم، در حالی که در این سو، نفت مملکت را می‌دهیم و بخشی از این تراسستی‌ها پولش را برنمی‌گرداند. البته باید تصریح کنم که همه تراسستی‌ها غارتگر نبودند؛ برخی از آن‌ها واقعاً به کشور کمک کردند و کارها را تسهیل نمودند، ولی دسته‌ای دیگر نفت را تحویل گرفتند، پول را تصاحب کردند و برنگرداندند.

آمارهایی مطرح است مبنی بر اینکه عمده این

شرکت‌های صادرکننده که ارز را تحویل نداده‌اند،

دولتی هستند. آیا این موضوع صحت دارد؟

مصمصای: فهرست ۱۰۰۰ شرکتی که بیشترین میزان تعهد ایفاننشده ارزی را دارند، به‌صورت کاملاً مستند استخراج شده است. جزئیات این لیست به‌وضوح مشخص می‌کند چه سهمی متعلق به بخش دولتی و چه سهمی متعلق به شرکت‌های غیردولتی است و اسامی آن‌ها کاملاً مشخص است.

نظارت بر این تراسستی‌ها وظیفه چه دستگاه‌هایی بوده و

مقصر اصلی این وضعیت کیست؟

مصمصای: نظارت بر عملکرد تراسستی‌ها مستقیماً بر

مصمصای در گفت‌وگو با «نوبنیاد» می‌گوید نظارت بر عملکرد تراسستی‌ها مستقیماً بر عهده وزارت نفت، دستگاه‌های اطلاعاتی و شورای عالی امنیت ملی بوده و مقصران اصلی، مجموعه‌هایی هستند که این ساختارها را بدون نظارت کافی شکل دادند. به گفته او، در شرایط تحریم ناچار به استفاده از این سازوکار بودیم، اما باید تضمین‌های سفت‌وسخت اخذ و نظارت دقیق صورت می‌گرفت تا منابع مردم توسط افراد خاص غارت نشود؛ با وجود خدمات برخی تراسستی‌ها در تسهیل امور، گروهی دیگر این منابع ملی را به تاراج بردند. به گفته مصمصای، براساس گزارش‌های غیررسمی، برخی از این تراسستی‌ها گمان می‌کردند پس از کودتای دی‌ماه و جنگ رمضان، نظام بعد از چند ماه ساقط می‌شود و آن‌ها می‌توانند این کوه از منابع ارزی را پیش خود نگه دارند.

دادستانی تهران چندی پیش از بررسی پرونده

تراسستی‌ها، تشکیل ۵۹ پرونده و بازداشت ۲۲ نفر پیرامون

عدم بازگشت ارز و تخلّفات تراسستی‌ها خبر داده بود.

همچنین برای ۱۵ نفر نیز اعلان قرمز صادر شده که نشان

می‌دهد از کشور خارج شده‌اند. اساساً ماجرای این

تراسستی‌ها چیست و چرا کار به اینجا کشیده شد؟

مصمصای: ما در اقتصاد ایران با دو شکل غارت منابع ارزی مواجهیم. بخش نخست مربوط به صادرکنندگانی است که صادرات انجام داده‌اند، اما ارز حاصل از آن را به کشور بازنگردانده‌اند. براساس آخرین گزارش‌هایی که استخراج کرده‌ایم، تا خردادماه، حدود ۸۲ میلیارد دلار تعهد سررسیدشده‌ای ایفاننشده برای صادرکنندگان ثبت شده و رقمی بالغ بر ۱۳۰ میلیارد دلار ارز به چرخه رسمی کشور برگشته است. وقتی می‌گوییم ارز برگشته، یعنی وارد چرخه رسمی نشده است. صادرکننده تمایلی ندارد ارز خود را با نرخ رسمی مصوب دولت تحویل دهد؛ در نتیجه آن را در بازار آزاد می‌فروشد و مابه‌التفاوت نرخ رسمی تا بازار آزاد را مستقیماً از جیب مردم برداشت می‌کند. صادرکننده با استفاده از منابع و ثروت ملی اقدام به صادرات کرده و این ارز باید با نرخ مناسب برگردد تا وارد سفره مردم، واردات کالاهای اساسی، رونق تولید و ایجاد اشتغال شود. اما این ارز به قاچاقچی فروخته می‌شود یا صرف فرار سرمایه می‌گردد. در واقع بازار آزاد یعنی غارت منابع مردم؛ چون هزینه‌اش از جیب جامعه برداشته می‌شود. این وضعیت مربوط به بخش صادرات غیرنفتی است. بخش دوم مربوط به تراسستی‌های نفتی است. تراسستی‌ها در واقع افرادی بودند که به عنوان «امین» معرفی شدند تا نفت را تحویل بگیرند، وجوه حاصل از آن را مدیریت کرده و برای کشور کالای موردنیاز وارد کنند. متأسفانه عده‌ای از این افراد، منابع را در حساب‌های خود نگه داشتند، بالا کشیدند و برنگرداندند.

بین الملل

واکنش رهبر انقلاب بحرین به سرکوب شیعیان منامه



رهبرانقلاب بحرین در سخنانی مجموعه تصمیم‌های صادرشده از سوی حاکمیت این کشور را مردود دانست و تأکید کرد که مؤمنان در برابر این تصمیم‌ها موضعی واحد دارند. به گزارش پایگاه خبری العهد، آیت‌الله عیسی قاسم، مرجع دینی بحرین در پیامی تأکید کرد: مجموعه تصمیم‌های صادرشده از سوی جریان سیاسی حاکم در بحرین مردود است. وی با اشاره به واکنش شیعیان به این تصمیم‌ها، گفت: پاسخ آنها یک پاسخ واحد است که در کلمه توحید، یعنی «لا اله الا الله» خلاصه می‌شود. آیت‌الله عیسی قاسم افزود: این موضع بیانگر مخالفت شدید و رویارویی آشکار با تصمیم‌های مذکور است. این اظهارات پس از آن بیان شد که رژیم آل خلیفه در بحرین سیاست سرکوب شیعیان را در پیش گرفته و شماری از روحانیون برجسته را بازداشت و محاکمه کرده است. موضع آیت‌الله عیسی قاسم در شرایطی مطرح می‌شود که اختلاف میان حاکمیت بحرین و بخش‌هایی از جامعه شیعی این کشور همچنان ادامه دارد. منتقدان سیاست‌های منامه، محدودیت‌های اعمال‌شده علیه فعالیت‌های دینی و اجتماعی شیعیان و برخورد با برخی روحانیون و فعالان را نشانه تداوم فشارهای سیاسی می‌دانند. در مقابل، مقام‌های بحرینی این اقدامات را در چارچوب قوانین و ملاحظات امنیتی کشور توجیه کرده‌اند. عیسی قاسم که از چهره‌های برجسته مذهبی بحرین به شمار می‌رود، طی سال‌های گذشته نیز بارها نسبت به سیاست‌های منامه در قبال جامعه شیعی و محدودیت‌های اعمال‌شده علیه فعالیت‌های دینی و سیاسی اعتراض کرده است.

دستاوردسازی رسانه ای ریاض همزمان با افزایش فشار میدانی بر نیروهای مزدور

فتح الفتوح مجازی سعودی‌ها در یمن

به دنبال دستاوردسازی پوشالی و خیالی رسانه‌های وابسته به ائتلاف سعودی از پیشروی بزرگ نیروهای تحت حمایت ریاض و ابوظبی در غرب تعز و حتی نزدیک شدن به باب المندب، میدان جنگ اما تصویر دیگری را ارائه می‌دهد. تکزبب سقوط ذوباب و اردوگاه العمری و رد ادعای پیشروی در تعز توسط مزدوران سعودی، نشان می‌دهد عربستان به دنبال ساختن پیروزی با تصویر و خبر است.



احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

شده است. به بیان روشن‌تر، یک تصویر از یک نقطه برداشته شده و با الصاق نام نقطه‌ای دیگر، به عنوان سند پیشروی منتشر شده است.

در واقع، در جنگی که کنترل جغرافیا اهمیت حیاتی دارد، جابه‌جایی نام مناطق در فضای مجازی می‌تواند افکار عمومی را به این نتیجه برساند که خطوط تماس تغییر کرده‌اند؛ در حالی که روی زمین چنین تغییری رخ نداده است و خط ساحلی مشرف بر باب المندب و جزایر راهبردی این منطقه همچنان در کنترل انصارالله است.

از سوی دیگر، ادعای پیشروی در تعز نیز با موضع محمد البخیتی، عضو دفتر سیاسی انصارالله مواجه شده است. او صراحتاً اعلام کرده که نیروهای وابسته به عربستان در تعز هیچ پیشروی نداشته‌اند. نشست گسترده شیوخ، بزرگان و شخصیت‌های اجتماعی تعز نیز با اعلام مخالفت قاطع با تحرکات نیروهای سعودی و نیروهای هم‌پیمان آنها، از عملکرد نیروهای مسلح یمن در بیرون راندن تجمعات نیروهای سعودی و پاکسازی مناطق از عوامل وابسته به تجاوز حمایت کرده است.

اما بخش قابل توجه ماجرا به فجر یمن بازمی‌گردد. عملیاتی که العلیمی هدف آن را حرکت به سوی صنعا و بازپس‌گیری

نویسنده: احسان میرباقری

در روزهای اخیر، همزمان با تبلیغات گسترده درباره آغاز عملیات موسوم به فجر یمن از سوی رشاد العلیمی، رئیس شورای ریاستی مورد حمایت عربستان، مجموعه‌ای از ادعاها درباره پیشروی نیروهای وابسته به ریاض و ابوظبی در غرب تعز منتشر شده است؛ ادعا‌هایی که مدعی سيطرة بر فرودگاه ذوباب، اردوگاه العمری و نقاط حساس مشرف بر باب المندب هستند. طبق آخرین مواضع انصارالله، خبر سقوط ذوباب و تغییر کنترل بر نقاط راهبردی مشرف بر باب المندب تأیید نشده است. منابع میدانی نیز تسلط نیروهای وابسته به عربستان بر اردوگاه العمری را تکذیب کرده‌اند. نکته مهم‌تر اینکه تصاویر مورد استناد برای اثبات این ادعاها نیز محل تردید جدی دارد. بررسی ویدئوی منتشرشده نشان می‌دهد نصاب‌یر به منطقه العارضی مربوط است و نه اردوگاه العمری. ماچرا در مورد ذوباب نیز مشابه است. ویدئویی که با عنوان حضور نیروهای وابسته به ائتلاف سعودی در ذوباب منتشر شده، بنا بر بررسی موقعیت جغرافیایی تصاویر، در نزدیکی ایستگاه عدن بیرتبت

میدان تعز علیه ادعا‌های ریاض

ادعای پیشروی در تعز نیز با موضع محمدالبخیتی، عضو دفتر سیاسی انصارالله، مواجه شده است. او صراحتاً اعلام کرده که نیروهای وابسته به عربستان در تعز هیچ پیشروی نداشته‌اند. نشست گسترده شیوخ، بزرگان و شخصیت‌های اجتماعی تعز نیز با اعلام مخالفت قاطع با تحرکات نیروهای سعودی و نیروهای هم‌پیمان آنها، از عملکرد نیروهای مسلح یمن در بیرون راندن تجمعات نیروهای سعودی و پاکسازی مناطق از عوامل وابسته به تجاوز حمایت کرده است.

یادداشت

میانجی بی‌طرف یا شریک راهبردی عربستان؟

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

پاکستان را نمی‌توان صرفاً با عنوان میانجی دلسوز در میان ایران و آمریکا یا جنگ یمن ارزیابی کرد. واقعیت میدانی این است که اسلام‌آباد همزمان با تلاش برای ایفای نقش دیپلماتیک، مناسبات امنیتی و نظامی خود با ریاض را نیز عمیق‌تر کرده است. بنابراین مسئله اصلی، نه نفی کامل نقش میانجی‌گرانه پاکستان، بلکه توجه به تعارض منافع این کشور است. در اردیبهشت ماه، پاکستان حدود ۸ هزار نیروی نظامی، یک اسکادران جنگنده و یک سامانه پدافند هوایی را در چارچوب توافق دفاعی با عربستان به این کشور اعزام کرد. رویترز این اعزام را نیرویی قابل توجه و برخوردار از توان رزمی توصیف کرد. گزارش‌های منتشرشده درباره همکاری نظامی پاکستان و عربستان نیز نشان می‌دهد که رابطه دو کشور صرفاً سیاسی نیست و سابقه استقرار نیروهای پاکستانی در عربستان به دهه‌ها قبل بازمی‌گردد.

تحولات چند روز اخیر این مسئله را جدی‌تر کرده است. رویترز گزارش داده عربستان در حال آماده‌سازی یک عملیات نظامی گسترده علیه انصارالله برای بازپس‌گیری کنترل باب المندب است. عملیاتی که قرار است با نیروهای یمنی وابسته به ریاض، حملات هوایی عربستان و پشتیبانی اطلاعاتی آمریکا انجام شود. در همین گزارش آمده که ترکیه و پاکستان تجهیزات نظامی و مشاوران در اختیار این طرح قرار داده‌اند، هرچند انتظار نمی‌رود نیروهای پاکستانی مستقیماً وارد نبرد شوند.

از سوی دیگر، وزیر دفاع پاکستان اخیراً اعلام کرده کشورش در برابر تهدید علیه عربستان با هر وسیله ممکن از این کشور دفاع خواهد کرد. این موضع در چارچوب توافق دفاعی سه‌جانبه عربستان، پاکستان و ترکیه مطرح شده است. در چنین شرایطی، خبر اعزام ۳۰ تا ۴۰ هزار نیروی پاکستانی به عربستان نیز نشان از سودطلبی پاکستان دارد. در این خصوص نیز سخنگوی وزارت خارجه ایران گفت که امیدوار است این خبر شایعه باشد و پاکستان خود را در قتل و محاصره مردم یمن با عربستان شریک نکند.

اما حتی اگر رقم ۴۰ هزار نفر کنار گذاشته شود، اصل همکاری نظامی پاکستان و عربستان قابل انکار نیست. مهم‌تر اینکه این همکاری در شرایطی اتفاق می‌افتد که اسلام‌آباد همزمان کانال ارتباطی خود با تهران را حفظ کرده و برای میانجی‌گری در جنگ تلاش می‌کند. فارن پالیسی نیز صراحتاً نوشته است که نقش میانجی پاکستان با تعهدات امنیتی آن در قبال عربستان در تضاد بالقوه قرار دارد و موفقیت میانجی‌گری می‌تواند برای اسلام‌آباد دستاوردهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایجاد کند.

لذا پاکستان الزاماً یک میانجی بی‌طرف نیست؛ بلکه کشوری است که همزمان با دیپلماسی، منافع امنیتی، اقتصادی و راهبردی خود را دنبال می‌کند. وابستگی پاکستان به سرمایه، انرژی و حمایت مالی عربستان نیز در محاسبات اسلام‌آباد بی‌تأثیر نیست. در چنین وضعیتی، اعتماد کامل به پاکستان به عنوان معتمد دلسوز خطا ست.

ایران باید مذاکره و میانجی‌گری پاکستان را بر اساس منافع ملی خود و با محاسبه دقیق روابط اسلام‌آباد با ریاض و واشنگتن ارزیابی کند. نه بر مبنای تصویرسازی از پاکستان به عنوان کشوری که صرفاً برای حل اختلافات منطقه‌ای وارد میدان شده است.

نگاهی به ماجرای B۱های آمریکایی و بازگشت از پایگاه فرفرورد انگلیس

خروج B۱ها از فرفرورد؛ عقب‌نشینی پس از غافلگیری

منطقه، تصویری کاملاً متفاوت ارائه می‌کند. اکنون دو سناریو پیش‌روی افکار عمومی قرار دارد: جنگ روانی برای امتیازگیری در آستانه انتخابات یا آماده‌سازی زمینه‌ای تازه برای عملیات نظامی و جنگی دیگر علیه ایران دوباره.

خروج همه بمب‌افکن‌های B۱ آمریکا از پایگاه فرفرورد انگلیس، در ظاهر می‌تواند نشانه‌ای از کاهش خطر اقدام نظامی علیه ایران باشد، اما همزمان اتهام‌زنی واشنگتن درباره «توطئه ایرانی» علیه این پایگاه و تحرکات نظامی آمریکا در



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

روز گذشته روزنامه وال استریت ژورنال در گزارشی مدعی این شد که ارتش آمریکا تمامی بمب‌افکن‌های B۱ خود را از پایگاه «آرای اف فرفرورد» خارج کرده است. مقام‌های آمریکایی گفتند این تصمیم به دلیل نگرانی‌های امنیتی اتخاذ شده و ۱۲ فروند B۱ مستقر در این پایگاه به آمریکا بازگشته‌اند. پنتاگون نیز اعلام کرد ملاحظات امنیتی مانع تأیید لحظه‌ای جابه‌جایی نیروها و تجهیزات بوده است. فرفرورد، با باند طولانی، برای عملیات بی‌و بی ۵۲ علیه ایران اهمیت داشت و استقرار آنها، فاصله پروازی تا منطقه را کاهش می‌داد. وال استریت ژورنال به نقل از مقام‌های آمریکایی مدعی شده است: «ما از توطئه‌ای مرتبط با ایران برای حمله به بمب‌افکن‌ها و کشتن پرسنل در پایگاه نیروی هوایی فرفرورد مطلع بودیم. سپاه پاسداران شهروندان بریتانیایی را برای اجرای یک طرح چند مرحله‌ای استخدام کرده است.» این ادعا، بیش از آنکه خبر امنیتی باشد، بخشی از جنگ روایت‌هاست.

انتشار این اخبار از دو جهت قابل بررسی است. سناریوی نخست آن است که آمریکا تا پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای قصد آغاز جنگ جدید را ندارد، اما با جنگ روانی می‌کوشد مسئولان ایرانی را به خطای محاسباتی بکشانند و در مذاکرات امتیاز بگیرد؛ امتیازی که به جمهوری خواهان برای انتخابات کمک کند. در این چارچوب، بازگشت بی‌ها و بی ۵۲ می‌تواند احتمال جنگ را کاهش دهد. اما سناریوی دوم خطرناک‌تر است. اتهام‌زنی درباره فرفرورد، همانند ماجرای فلای دویی، می‌تواند حلقه دیگری از عملیات‌های پرچم دروغین علیه ایران باشد؛ زمینه‌ای برای ساختن دستاویز تازه، در شرایطی که روایت‌های قبلی آمریکا و اسرائیل درباره پرونده هسته‌ای ایران پذیرفته نشده است. در این سناریو، جایگزینی ناوهای پیما بر «روزولت» به جای «جرج بوش»، استقرار ناو آبی‌خاکی جدید در سنتکام و دریای عرب، حضور ناو هوای پیما بر «جرج واشنگتن» و پروازهای شناسایی در خلیج فارس و دریای مکران، نشان می‌دهد گزینه حماقت نظامی کنار گذاشته نشده است.

الجزیره نیز مدعی شده ترامپ قصد حمله غافلگیرکننده به ایران را دارد. آنچه روشن است، شباهت آرایش فعلی با هفته‌های منتهی به ۹ اسفند و آغاز حمله آمریکا و اسرائیل در جنگ ۳۹ روزه است. بنابراین تلقی‌های سطحی، نگاه ساده اندیشانه یا غفلت‌های مجدد امنیتی و حفاظتی می‌تواند پاشنه آشیل کشور در نبرد جدید باشد. در سوی مقابل، پیام سرلشکر عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح نشان می‌دهد دست‌کم در حوزه نظامی، سطح هوشیاری بالاست. او در پیام جدید خود هشدار داده است: «آگاه باشید اگر جنگ جدیدی علیه ایران آغاز شود، آتش آن دامن همه را فرا خواهد گرفت.» فارن افرز نیز از آمادگی ایران برای جنگی نامحدود نوشته است و در این زمینه عنوان داشت: «تهران بیش از حد برای تسلیم آمریکا آماده شده است»، با این حال در حالی که نیروهای مسلح با ادبیات جنگی و واقع‌بینانه وضعیت را رصد می‌کنند، در مجموعه دولتمردان هنوز نشانه‌های روشنی از شکل‌گیری تلقی جنگی و ضرورت آمادگی برای بدترین سناریو دیده نمی‌شود.

آرایش جنگی آمریکا

خروج B۱ها از فرفرورد را نباید به‌تنهایی نشانه عقب‌نشینی آمریکا دانست؛ زیرا همزمان با این اقدام، جایگزینی ناوها، افزایش پروازهای شناسایی، استقرار تجهیزات تازه در سنتکام و طرح اتهامات جدید علیه ایران ادامه دارد. شباهت این آرایش به هفته‌های منتهی به ۹ اسفند و آغاز جنگ ۳۹ روزه، ضرورت هوشیاری کامل را دوچندان می‌کند؛ به‌ویژه آنکه خطای محاسباتی در چنین شرایطی هزینه‌ای سنگین برای کشور و امنیت ملی خواهد داشت.

پادداشت

پدافند غیرعامل در آزمون بازنگری

حسین مرادی
روزنامه‌نگار

انتشار تصویری از سردار غلامرضا جلالی، رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور، در حالی که ساعت هوشمند به دست داشت، خیلی زود به یکی از جنجالی‌ترین موضوعات رسانه‌ای تبدیل شد. حساسیت اصلی اما صرفاً به استفاده از یک ابزار هوشمند محدود نماند؛ پاسخ عجیب و غیرمستولانه او به پرسش خبرنگار درباره مخاطرات امنیتی این ساعت، نگرانی‌ها درباره جدی گرفته شدن پروتکل‌های حفاظتی و امنیتی در سطح مدیران و شخصیت‌های حساس کشور را تشدید کرد.

جلالی در پاسخ به خبرنگاری که درباره ساعت هوشمندش پرسید، گفت: «تلویزیون خونه تون هوشمند نیست؟ ما هم عین همون!» خبرنگار بار دیگر پرسید آیا این ساعت هوشمند برای مقامات خطرناک نیست؟ پاسخ رئیس سازمان پدافند غیرعامل نیز عجیب‌تر بود: «الان شرایط جنگ است یا صلح؟ هوایما پرواز می‌کند یا نه؟ پرواز تهران مشهود می‌رود یا نه؟»

اگر در بالاترین سطح مسئولیت پدافند غیرعامل، تهدیدهای احتمالی ابزارهای هوشمند با چنین استدلالی ساده‌سازی شود، افکار عمومی حق دارد درباره جدیت پروتکل‌های حفاظتی در حفاظت از شخصیت‌ها، مراکز حساس و حتی نیروهای مسلح سؤال داشته باشد. پدافند غیرعامل اساساً برای روز عادی طراحی نشده است؛ که دشمن از خلأهای امنیتی استفاده می‌کند. این حاشیه همچنین بار دیگر کارنامه سازمان پدافند غیرعامل را زیر ذره‌بین برده است. منتقدان، عملکرد این سازمان در دو جنگ اخیراً ناکافی می‌دانند و معتقدند جایگاه پدافند غیرعامل باید در ساختار کشور تقویت و مدیریت آن نیز متناسب با تجربه‌های جدید جلالی برای این سازمان نیز اکنون بیش از گذشته این پرسش را پیش کشیده که خروجی این سال‌ها در حوزه‌هایی مانند ایجاد و تجهیز پناهگاه‌های ضد حمله هوایی برای مردم و حفاظت از شخصیت‌ها چه بوده است.

جلالی در سال‌های گذشته بارها کم‌توجهی دستگاه‌های اجرایی به الزامات پدافند غیرعامل را یکی از دلایل ناکارآمدی‌ها عنوان کرده است. اما دو جنگ اخیر نشان داد که نمی‌توان همه کاستی‌ها را به دیگران حواله داد. وقتی تهدیدات پیچیده‌تر شده‌اند، ابزارهای هوشمند به بخشی از میدان جمع‌آوری اطلاعات تبدیل شده‌اند و تجربه جنگ، ضعف‌های حفاظتی را عریان‌تر کرده است، پدافند غیرعامل نیز به مدیریت دقیق‌تر، به‌روزتر و حساس‌تر نیاز دارد.

نگاهی به سازوکارهای دفاع غیرعامل در رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای عربی نیز نشان می‌دهد که پدافند غیرعامل در آنها به عنوان بخشی جدی از معماری امنیت ملی دنبال می‌شود. بنابراین، پس از بیش از ۲۰ سال، تغییر مدیریتی در این سازمان نه یک تابوشکنی، بلکه می‌تواند فرصتی برای بازسازی جایگاه آن باشد؛ سازمانی که قرار است پیش از وقوع فاجعه، خطر را ببیند، نه اینکه پس از وقوع حادثه درباره آن توضیح بدهد.

سیاست خارجی

نیویورک تایمز: جنگ علیه ایران؛ نقطه اوج «سیر حماقت آمریکا» بود

نیکولای کریستوف تحلیل‌گر نیویورک تایمز در گزارشی در این روزنامه اظهار داشت: «ترامپ اکنون یک نماد روشن از شخصیت‌های نمایشنامه «خروج ممنوع» سارتر است. کوتاه‌بینی خاص ترامپ همچنان پابرجاست و دولت او همچنان مدعی است که فشار بر ایران، موفقیتی چشمگیر بوده است. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری، او هم در توهمی مشابه به فاکس نیوز گفت: «این محاصره دارد جواب می‌دهد؛ عملکردی بی‌سابقه و فراتر از هر چیزی که تا به حال دیده‌ایم. دارد!» عجب جنگ ترامپ با ترور رهبر عالی ایران آغاز شد؛ رهبری که فتوایی مبنی بر عدم ساخت سلاح هسته‌ای توسط

The New York Times

ایران صادر کرده بود.»

وی افزود: اما اقدامات ترامپ کاری کرده که طرح پیشنهاد خروج از «پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» (NPT) در مجلس ایران مطرح شود و ۳۲ تن از چهره‌های ایرانی نیز خواستار انجام چنین اقدامی شده‌اند. وقوع چنین اتفاقی فاجعه‌بار خواهد بود. عراقچی به خبرنگاران گفت: «اگر با هر کشور دیگری جز ایران چنین رفتاری می‌شود، از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج می‌شود.» آمریکا باید این هشدارها را جدی بگیرد. این روزنامه در پایان تأکید کرده است: چیزی است که به‌ویژه ارزش بررسی دارد این است: چگونه ما آمریکایی‌ها طی سه ربع قرن، سیاست خارجی خود را چنان ناشیانه پیش برده‌ایم که به‌طور نظام‌مند، ایران را تقویت کرده‌ایم؟ جنگ علیه ایران؛ نقطه اوج «سیر حماقت آمریکا» در دوره ترامپ بود.

شهادای سلامت سوژه سریال شدند

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

مجموعه تلویزیونی «تیم درمان» به کارگردانی محمد عبدی زاده و تهیه‌کنندگی سید محسن جاهد، با عبور از نیمه مراحل تصویربرداری، این روزها در فضایی واقع‌گرایانه در بیمارستانی در غرب پایتخت در حال ضبط سکانس‌های حساس است. این اثرنمایشی ۱۶ قسمتی، با هدف تجلیل و بزرگداشت مقام والای شهدای سلامت و بازخوانی حماسه ماندگار کادر پزشکی و درمانی کشور در سال‌های نفس‌گیر شیوع کرونا تولید می‌شود.

«تیم درمان» دارای ساختاری اپیزودیک و روایتی چندگانه است؛ اثری که در هر بخش مستقل خود، به واکاوی سرنوشت یک بیمار خاص و مواجهه کادر درمانی با پرونده‌های پیچیده پزشکی می‌پردازد. نگارش فیلم‌نامه این مجموعه برپایه خاطرات ثبت‌شده و مستندات میدانی پرسنل بیمارستان‌ها شکل گرفته است تا افزون بر چالش‌های فنی و بالینی، بازتابی از کشمکش‌های درونی، اضطراب‌ها، استقامت، ایثار خالصانه و امید در سنگرمداوای بیماران باشد.

همچنین در دل داستان‌ها، ارتباط جامعه با نظام سلامت در بزنگاه‌های تاریخی و پرخطر تصویرشده است. این مجموعه تلویزیونی با مشارکت و همراهی نهادهای تخصصی از جمله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان نظام پرستاری کشور و دانشگاه علوم پزشکی تهران به مرحله اجرا درآمده تا ادای احترامی باشد به ایثار کادر سلامت؛ دلاورانی که در اوج بحران فراگیر کرونا، جان برکف نهادند و شهدای بی‌شماری را تقدیم میهن کردند.

در کنار گروهی از هنرمندان باسابقه، بازیگرانی همچون بیتا سحرخیز، علیرضا جلالی‌تبار، زهرا سعیدی، محمدرضا رهبیری، لیلا حمدی، ساقی زینتی، صفورا خوش‌طینت، صهبا شرافتی و معصومه بافنده در این اثر به هنرنمایی پرداخته‌اند. سید محسن جاهد که علاوه بر تهیه‌کنندگی، مدیریت تصویربرداری پروژه را نیز بردوش دارد، تلاش کرده اتمسفر پراشتاب بخش‌های مراقبت و ویژه را ثبت کند. «تیم درمان» کوششی است تا حماسه ماندگار خدمت، فداکاری و ایثار کادر درمان را در حافظه جمعی و رسانه‌ای کشور جاودانه سازد.

چرا حضور «گل یا پوچ» در جوایز تلویزیونی آسیا اهمیت ندارد؟

هیاهویی برای هیچ

در فضای رسانه‌ای ایران، هر بار که یک اثر نمایشی یا سرگرمی وارد فهرست نامزدهای یک جشن یا جشنواره بین‌المللی می‌شود، موجی از هیجان و تبلیغات ایجاد می‌گردد. اخیراً خبر نامزدی برنامه «گل یا پوچ» در بخش بهترین مسابقه تلویزیونی در سی‌ویکمین دوره جوایز تلویزیونی آسیا (Asian Television Awards) بازتاب نسبتاً زیادی در میان رسانه‌های به‌اصطلاح هنری و



۶ مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

جوایز تلویزیونی آسیا که در سال ۱۹۹۶ تأسیس شده، یک رویداد سالانه صنعتی است که هدف اصلی آن تقدیر از تولیدات تلویزیونی در منطقه آسیا-اقیانوسیه است. این مراسم شامل بیش از پنجاه و شش دسته‌بندی مختلف است که طیف وسیعی از آثار خبری، مستند، درام، انیمیشن و سرگرمی را پوشش می‌دهد. نکته کلیدی درباره ماهیت این جوایز، نحوه شرکت در آن‌هاست. برخلاف جشنواره‌هایی که آثار توسط نهادهای رسمی دولتی یا آکادمی‌های تخصصی بدون هزینه برای داوری ارسال می‌شوند، جوایز ATA یک سیستم تجاری دارد و سازندگان و شبکه‌های تلویزیونی برای ورود آثار خود به رقابت باید هزینه ثبت‌نام پرداخت کنند. این مدل اقتصادی باعث می‌شود که حجم بالایی از آثار (حدود هزار و چهارصد اثر در سال) وارد چرخه داوری شوند.

وقتی تعداد نامزدها در هر بخش بسیار زیاد باشد و فرآیند انتخاب اولیه نیز براساس پرداخت حق عضویت انجام شود، صرف دریافت کارت دعوت یا قرار گرفتن در لیست نامزدها، لزوماً به معنای تمایز هنری یا فنی فوق‌العاده آن اثر نیست. اعتبار این جوایز در سطح جهانی محدود به محافل حرفه‌ای صنعت تلویزیون است و عموم مردم جهان آن را نمی‌شناسند. حتی در داخل آسیا نیز این جایزه رتبه پایین‌تری نسبت به جوایز معتبری چون «امی بین‌الملل»، «جایزه پی‌بادی» یا حتی جشنواره‌های سینمایی و تلویزیونی قدرتمند کره جنوبی و ژاپن دارد.

در بسیاری از موارد، برنده شدن یا نامزد شدن در این جوایز بیش‌تر جنبه بازاریابی و برندسازی برای شبکه‌های خصوصی و پلتفرم‌های استریم دارد تا یک ارزیابی بی‌طرفانه علمی یا هنری. در مورد برنامه «گل یا پوچ»، حضور در این لیست نشان‌دهنده تلاش تیم تولید برای دیده شدن

محمد حسین مهدویان برای فیلم «حکومت خون» پروانه ساخت گرفت؛ خبری که در سال‌های اخیر بسیار تکراری شده است، اما وقتی آن را کنار کارنامه سال‌های اخیر این فیلمساز می‌گذاریم، یک سؤال جدی‌تر شکل می‌گیرد: آیا مهدویان بیش از آنکه به کیفیت آثارش فکر کند، گرفتار شتاب در تولید نشده است؟

مهدویان فیلمسازی بود که با چند اثر ابتدایی‌اش توانست نشان دهد سینمای ایران با فیلمسازی مواجهه است که هم زبان تصویری مشخصی دارد و هم می‌تواند سوژه‌های حساس و تاریخی را به اثری تماشایی تبدیل کند. اما هر چه از آن فیلم‌های نخست فاصله گرفته‌ایم، به نظر می‌رسد کیفیت آثار نیز آرام‌آرام از آن نقطه فاصله گرفته است. مسئله الزاماً فقدان ایده نیست؛ مسئله اینجاست که ایده‌ها دیگر فرصت کافی برای تبدیل شدن به یک اثر پخته و ماندگار را پیدا نمی‌کنند.

به نظر می‌رسد مهدویان در سال‌های اخیر گرفتار نوعی پرکاری شده است؛ پرکاری‌ای که به جای آنکه به گسترش کارنامه یک فیلمساز منجر شود، در مواردی نتیجه معکوس داده و کیفیت رقرابانی کمیت کرده است. فیلمسازی که زمانی برای ساخت هر اثرش انتظار ایجاد می‌کرد، حالا آن قدر سریع از یک پروژه به پروژه دیگر می‌رود که مخاطب فرصت نمی‌کند حتی درباره اثر قبلی تصمیم بگیرد که با چه چیزی مواجهه بوده است و خود او نیز فرصت پرداختن به کیفیت اثر را پیدا نمی‌کند.

اینکه یک کارگردان توانایی ساخت فیلم‌های متعدد را دارد، به خودی خود امتیاز نیست. سینما کارخانه تولید محتوا نیست که تعداد محصول بیش‌تر، الزاماً به معنای موفقیت بیش‌تر باشد. فیلمساز باید گاهی از پروژه فاصله بگیرد، ایده را پرورش دهد، فیلم‌نامه را بسازد و بعد پشت دوربین برود. وگرنه نتیجه می‌شود مجموعه‌ای از آثاری که شاید هر کدام به تنهایی قابل دفاع باشند، اما در کنار فیلم‌های ابتدایی کارگردان، نزول تدریجی کیفیت را آشکار می‌کنند.

بنابراین باید گفت آقای مهدویان! «حکومت خون» هم اگر قرار است ساخته شود، بد نیست پیش از آن کمی به خودتان استراحت بدهید. شاید یک فاصله کوتاه از این حجم تولید، همان چیزی باشد که سینمای شما برای بازگشت به کیفیت فیلم‌های نخست به آن نیاز دارد.



داریوش فرضیایی، مجری شناخته‌شده برنامه‌های کودک که با نام «عموپورنگ» شناخته می‌شود، با اشاره به تغییر الگوی مصرف رسانه‌ای کودکان و گسترش شبکه‌های اجتماعی، نسبت به رهاشدگی کودکان در فضای مجازی و تماشای محتوای نامرتب هشدار داد.

هشدار درباره
رهاشدگی کودکان
در شبکه‌های
اجتماعی